

بِسْمِ تَعَالَى

موافقتنامه

بین دولت جمهوری لهستان

و

دولت جمهوری اسلامی ایران

بمنظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد

مالیات های بردرآمد

(۲)

دولت جمهوری لهستان و دولت جمهوری اسلامی ایران که از این پس دولتهای متعاقد نامیده میشوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای بمنظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیات بردرآمد بشرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲

مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمدی است که صرفنظر از نحوه اخذ آن، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی اداری یا مقامات محلی آن وضع میگردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از مالیات بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط موسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف : در مورد جمهوری لهستان :

- مالیات بر در آمد اشخاص حقیقی، و

- مالیات بر در آمد شرکتهای

(که از این پس مالیات جمهوری لهستان نامیده میشود)،

ب : در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات مستقیم بر در آمد.

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیریا دراساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا بجای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیت دار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

(۳)

ماده ۳

تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردیکه سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف: اصطلاح "یک دولت متعهد" و "دولت متعهد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری لهستان یا جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

- اصطلاح "جمهوری لهستان"، هرگاه در یک مفهوم جغرافیائی بکار رود اطلاق میشود به قلمرو جمهوری لهستان شامل هر منطقه ماوراء آبهای سرزمینی آن، که در آن به موجب قوانین لهستان و مطابق با حقوق بین الملل، لهستان میتواند حقوق حاکمیت خود را بر بستر دریا، زیر خاک آن و منابع طبیعی آنها اعمال نماید.

- اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق میشود.

ب: اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده ۲ این موافقتنامه، اطلاق میشود.

پ: اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد میباشد.

ت: "شرکت" اطلاق میشود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی بعنوان شخص حقوقی محسوب میشود.

ث: "دفتر ثبت شده" بمفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعهد میباشد.

ج: "موسسه یک دولت متعهد" و "موسسه دولت متعهد دیگر" به ترتیب به موسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعهد و موسسه ایکه به وسیله مقیم دولت متعهد دیگر اداره میگردد اطلاق میشود.

چ: "حمل و نقل بین المللی" به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی، جاده ای و راه آهن اطلاق میشود که توسط موسسه یک دولت متعهد انجام میشود، باستثنای مواردیکه کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی، جاده ای و راه آهن صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعهد دیگر استفاده شود.

ح: "مقام صلاحیتدار":

- در مورد جمهوری لهستان به وزیر دارائی یا نماینده مجاز او اطلاق میشود.

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارائی یا نماینده مجاز او اطلاق میشود.

خ: اصطلاح "تبعه" اطلاق میشود:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعهد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را بموجب قوانین جاری در یک دولت متعهد کسب نماید.

(۴)

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای بکار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، بجز مواردیکه اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴

مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" به هر شخصی اطلاق میشود که بموجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا بجهت مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد.

۲- در صورتیکه حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او بشرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هر گاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچیک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد.

پ: هر گاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد بسربرد یا در هیچیک بسرنبرد، مقیم دولتی تلقی میشود که تابعیت آنرا دارد.

ت: هر گاه او تابعیت هیچیک از دو دولت متعاقد را نداشته باشد موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتیکه حسب مقررات بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقر دائم" به محل ثابتی اطلاق میشود که از طریق آن، موسسه یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً در دولت متعاقد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

(۵)

۲- اصطلاح "مقر دائم" بویژه شامل موارد زیر است:

- الف: محل اداره
 ب: شعبه
 پ: دفتر
 ت: کارخانه
 ث: کارگاه
 ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، "مقر دائم" محسوب میشوند ولی فقط در صورتیکه این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از نه ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علیرغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح مقر دائم شامل موارد زیر نخواهد شد:

- الف: استفاده از تأسیسات، صرفاً بمنظور انبار کردن، نمایش یا تحویل اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه.
 ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به موسسه، صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش یا تحویل.
 پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به موسسه، صرفاً بمنظور فرآوری آنها توسط موسسه دیگر.
 ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً بمنظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن موسسه.
 ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً بمنظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی و یا سایر فعالیتهایی که برای آن موسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
 ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزء های (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علیرغم مقررات بندهای (۱ و ۲) در صورتیکه شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۶ است) در یک دولت متعاقد از طرف موسسه ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد بنام آن موسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن موسسه در مورد فعالیتهاییکه این شخص برای آن انجام میدهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه

(۶)

فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند بموجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- موسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق حق العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دائم در آن دولت متعاهد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد.

مع ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تخصیص یافته باشد، در حدود معنای این بند، او بعنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را کنترل میکند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه بنحو دیگر) بخودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح بهر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال میگردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخائر معدنی، چاه‌های نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکان‌های استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه آهن بعنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

(۷)

۴- مقررات بندهای (۱ و ۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول موسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷

درآمدهای تجاری

۱- درآمد موسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این موسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه موسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن موسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر میشود.

۲- با رعایت مقررات بند (۲) این ماده، در صورتیکه موسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی میشود که اگر بصورت موسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از موسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیتهای نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، میتوانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد موسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع بکار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای موسسه جنس یا کالا خریداری میکند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- در آمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

(۸)

۷- در صورتیکه درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸

حمل و نقل بین المللی

درآمد حاصل توسط موسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی ها ، قایق ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن، در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۹

موسسات شریک

۱- در صورتیکه:

الف: موسسه یک دولت متعاقد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت ، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد،

یا

ب: اشخاصی واحد بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه یک دولت متعاقد و موسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند ،

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو موسسه ، متفاوت از شرایطی باشد که بین موسسات مستقل برقرار است ، در آنصورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این موسسات میشد ، ولی بعلت آن شرایط، عاید نشده است میتواند جزو درآمد آن موسسه منظور و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتیکه یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از موسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده ، جزء درآمدهای موسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند ، و

(۹)

درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو موسسه حاکم بود، عاید موسسه دولت نخست میشد، در اینصورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیلی مناسب بعمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.

۲- مع ذالک، این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتیکه دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از هفت درصد مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "سود سهام" در این ماده اطلاق میشود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام موسسین یا سایر حقوق (باستثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال میگردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت میشود بطور موثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتیکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (بغیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاهد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت میشود بطور موثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاهد دیگر تشکیل شود.

(۱۰)

ماده ۱۱

هزینه های مالی

۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.

۲- مع ذلک، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "هزینه های مالی" بنحویکه در این ماده بکار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه ویا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و بخصوص درآمدهای ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق میگردد. جریمه های تاخیرتادیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علیرغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت متعاهد دیگر، وزارتخانه ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر میباشدند، کسب میشوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که هزینه های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقررات فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاهد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت میشود بطور موثر مربوط به این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی اداری، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتیکه شخص پرداخت کننده هزینه های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه های مالی به آن تعلق میگیرد دارای مقررات یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه های مالی برعهده آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در اینصورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقرر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

(۱۱)

۷- در صورتیکه بدلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هردوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت میشود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق میشود بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق الامتیاز

۱- حق الامتیاز هائی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

۲- مع ذلک، این حق الامتیاز ها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از ۱۰ درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق الامتیاز" در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق میشود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل میشود از طریق مقر دایم، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالیکه حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت میشود بطور موثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود آن دولت، تقسیم فرعی اداری، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتیکه، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز بنحوی موثر با آن

(۱۲)

مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق امتیاز برعهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق امتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است .

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هردوی آنها با شخص دیگری ، مبلغ حق امتیازی که با در نظر گرفتن استفاده ، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق امتیاز پرداخت میشود ، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق میشود بیشتر باشد ، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳

عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد ، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگری شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسائل کسب و کار مقر دائم موسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر میباشد ، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد بمنظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگری باشد ، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل موسسه) یا پایگاه ثابت مزبور ، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.

۳- عواید حاصل توسط موسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها ، قایق ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا راه آهن ، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است .

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائی آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است ، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.

(۱۳)

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی بغیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴

خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد بسبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیتهای مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص بمنظور ارائه فعالیت خود بطور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح "خدمات حرفه ای" بویژه شامل فعالیتهای مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیتهای مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران میباشد.

ماده ۱۵

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- بارعایت مقررات مواد (۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت میدارد فقط مشمول مالیات همان دولت میباشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر میشود.

۲- علیرغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاهد دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در دوره دوازده ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه مییابد تجاوز نکند، و
ب: حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمائی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود، و
پ: پرداخت حق الزحمه برعهده مقررائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاهد دیگر دارد.

۳- علیرغم مقررات یاد شده در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط موسسه یک دولت متعاهد در ارتباط با استخدام در کشتی، قایق، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی مشمول مالیات دولت متعاهدی میشود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است.

(۱۴)

ماده ۱۶

حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد بلحاظ سمت خود بعنوان عضو هیات مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

ماده ۱۷

هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد بعنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا بعنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید، علیرغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر میشود.

۲- در صورتیکه درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علیرغم مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات دولت متعاقدی میشود که فعالیت های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام میگردد.

۳- علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲) درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در چارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می نماید از مالیات آن دولت دیگر معاف می باشد.

ماده ۱۸

حقوق بازنشستگی

۱- حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد بکار میرود.

۲- علیرغم مقررات بند (۱) حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب قانون تامین اجتماعی یا قانون استخدام کشوری یک دولت متعاقد مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

(۱۵)

ماده ۱۹

خدمات دولتی

۱- حقوق ، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه (به غیر از حقوق باز نشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف یک دولت متعاهد ، تقسیم فرعی اداری ، یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت ، تقسیم فرعی اداری یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود .

۲- مع ذلک ، این حق الزحمه ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد ، یا

- صرفاً بمنظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد .

۳- در مورد حقوق و مقرری های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیتهای تجاری که یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن انجام میدهد مقررات مواد (۱۶،۱۵ و ۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰

مدرسین ، محصلین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاهد بوده و صرفاً بمنظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاهد دیگر بسر می برد، برای مخارج زندگی ، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت میدارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین ، حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاهد بوده و بمنظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هائیکه از دو سال تجاوز نکنند در دولت متعاهد دیگر بسر میبرد ، از مالیات آن دولت متعاهد دیگر بر حق الزحمه بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود ، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود. مفاد این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می شود مجری نخواهد بود .

ماده ۲۱

سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود . مگر آنکه اینگونه اقلام درآمد از منابعی در دولت

(۱۶)

متعاقد دیگر حاصل شده باشد. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند در این صورت می توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- باستثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول بنحویکه در بند(۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت بنحو موثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) و (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲

آئین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتیکه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، بعنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

مع ذلک در هر مورد، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتیکه طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور میتواند علیرغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۳

عدم تبعیض

۱- تبعیض یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علیرغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصیکه مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

(۱۷)

۲- مالیاتی که از مقر دائم موسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ میشود نباید از مالیات موسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت ها را انجام میدهند نامساعد تر باشد.

۳- موسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر میباشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگینتر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر موسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات بگونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۴

آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتیکه شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمیباشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین ملی دولت های مزبور، میتواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متاعدهی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۳) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متاعدهی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیاید ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین میتوانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد میتوانند بمنظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آئینها، شرایط، روش ها و فنون مقتضی را برای اجرای آئین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می آورند.

(۱۸)

ماده ۲۵

تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت میشود، به همان شیوه ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری میشود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد، و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیات های مشمول این موافقتنامه تصمیم گیری میکنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان میتوانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد بنحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

- الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.
ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.
پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۶

اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریتهای سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که بموجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار میباشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۷

لازم الاجرا شدن

۱- دولتهای متعاهد یکدیگر را از رعایت الزامات قانون اساسی که برای لازم الاجرا شدن این موافقتنامه بعمل می آورند مطلع خواهند نمود.

(۱۹)

۲- این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه موضوع بند (۱) لازم الاجرا و مقررات آن به شرح زیر به مورد اجرا گذارده خواهد شد :

الف : در مورد مالیاتهای تکلیفی ، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا میگردد، حاصل می شود .
ب : در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد، به آنگونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا میگردد، شروع میشود .

ماده ۲۸

فسخ

این موافقتنامه تا زمانیکه توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولت‌های متعاهد میتواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی ، با ارائه یادداشت فسخ ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا میگردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف : نسبت به مالیاتهای تکلیفی ، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است ، حاصل می شود .

ب: نسبت به سایر مالیاتهای بردرآمد، به آنگونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است ، شروع میشود .

در تائید مراتب فوق ، امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود بنحو مقتضی مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ ۱۳۰۱:۱۰:۱۰ (۱۰ اکتبر ۱۹۹۸ میلادی برابر با ۱۳۰۱:۱۰:۱۰ هجری شمسی به زبانهای لهستانی ، انگلیسی و فارسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است . در صورت اختلاف در تفسیر ، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران



از طرف دولت

جمهوری لهستان

